



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰-ISSN

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

حقوق متهم در محاکم قضایی ایران و محاکم بین الملل (مطالعه موردی)

نازیلا پورعلی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

چکیده

بی شک یکی از پیش شرط‌های مهم و مسلّم هر دادرسی، حق محاکمه شدن در یک دادگاه بی طرف و مستقل قضایی است که «یکی از اصول کلی حقوق را تشکیل داده و یک اصل اساسی است» در ادیان بزرگ عنوان گردیده است که انسان، صرف نظر از نژاد، کشور، رنگ، جنس، معتقدات، شرایط زندگی اجتماعی و ترکیب فیزیکی او، موجودی است قابل احترام که زندگی او دارای قدسیت بوده و وجودش هدف نهایی کلیه قوانین و مقررات به شمار می‌رود. لذا به هیچ وجه نباید وسیله بهره‌برداری و یا مورد سوء استفاده هم‌نوعان خود قرار گیرد. بر این اساس، سازمان‌های بین‌المللی، مأمور اجرای نظارت بر اجرای مقررات «اولایی» شده‌اند که ضامن حیات، آزادی و حیثیت انسان و در راس همه آن‌ها، نگه دارنده و محافظ حقوق اساسی و بنیادین وی، می‌باشد. این حقوق در معنای وسیع خود شامل بهداشت، استقلال، شکوفایی شخصیت، اختیار اقامت و خطمشی زندگی، فرهنگ، شغل، حق حمایت اجتماعی و امنیت دایمی در کلیه زمینه‌ها و امثال آن، است.

قریب به اتفاق عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌هایی که در مورد حقوق بین‌الملل و احترام به نوع بشر تدوین و تصویب شده‌اند به نوعی به برابری و تساوی حقوق افراد در جامعه و مخصوصاً در محاکم بین‌المللی تأکید کرده و آن را جزو اصول اساسی آزادی بشر در تمام نقاط جهان و در میان تمام ادیان و نژادها و ... دانسته‌اند و برای پاسداشت و احترام به آن تلاش‌های زیادی انجام داده و در مقابل ناقضان و هتاکان به آن ایستاده و با ضمانت اجراهای نسبتاً قوی آنان را بازخواست می‌نمایند.

این اهمیت ما را بر آن داشت تا با بررسی اصل عدم تبعیض به عنوان یک اصل حقوقی، به بررسی و مطالعه‌ی این مورد در سطح بین‌المللی بپردازیم. از این رو ما اصل عدم تبعیض را در محاکم بین‌المللی به مطالعه نشستیم. علاوه بر آن و با توجه به تنیدگی‌های فراوانی که میان اجزای حقوق بین‌الملل و مخصوصاً حقوق بین‌الملل کیفری وجود دارد ما را بر آن داشت تا به مطالعه‌ی اسناد بین‌المللی میز بپردازیم. بر این اساس می‌توان گفت که هر چند مقررات زیادی در مورد دادرسی‌های بین‌المللی با توجه به نوپا بودن آن در سطح بین‌المللی وجود دارد و در مواردی نیز مستقیم یا غیر مستقیم به اصل عدم تبعیض و برابری افراد و عدم تبعیض آنها در رنگ و نژاد و جنسیت و مذهب و... پرداخته است ولی با توجه به برخی حرکات نژادپرستانه مخصوصاً در جوامع غربی باید به این اصل بیشتر بها داده شده و ضمانت اجراهای بسیار و قوی‌تری نسبت به آنچه اکنون وجود دارد برای آن پیش‌بینی کرد. در واقع با وجود رعایت و گاهی تصریح اصل عدم تبعیض در محاکم بین‌المللی ولی شاید بتوان بیشتر و بهتر به دفاع از این اصل با تدوین قواعد و قوانین جدید پرداخت و از آن محافظت کرد و در مقابل نقض آن واکنش‌های سخت حقوقی نشان داد.

واژگان کلیدی: اصل عدم تبعیض، محاکم کیفری بین‌المللی، محاکمه کیفری، اصل برابری سلاح‌ها



مقدمه

از نظر برخی از اندیشمندان حقوق بین‌المللی کیفری از مجموع قواعد حقوقی مربوط به مجازات جرایم بین‌المللی که باعث نقض حقوق بین‌المللی شوند، تشکیل می‌گردد. این تعریف شامل سه عنصر است:

اول: حقوق بین‌المللی کیفری مبارزه علیه جرایم بین‌المللی را سازمان می‌دهد. این مبارزه از طریق مجازات کردن مجرمان؛ یعنی مرتکبان نقض حقوق بین‌المللی، تجلی پیدا می‌کند. در این محدوده، حقوق بین‌المللی کیفری قواعد خاص جزایی را اعمال می‌نماید.

دوم: مجازات که در نتیجه ارتکاب یک جرم بین‌المللی قابل اعمال است. منظور از جرم بین‌المللی، جرمی است که نقض مهمی نسبت به قواعد حقوق بین‌الملل عمومی محسوب شود؛ یعنی خطری برای نظم اجتماعی بین‌المللی به شمار می‌آید.

سوم: قواعد بین‌المللی کیفری، قواعد حقوقی هستند؛ یعنی از اراده دولت نشأت می‌گیرند. حاکمیت دولت‌ها در این امر متجلی است و خود دولت مکلف به رعایت قواعد حقوقی است که مورد قبول و حکم قرار داده است.

دن دیدووانتر^۱ در کتاب اصول جدید حقوق کیفری بین‌المللی این رشته را چنین تعریف می‌کند: حقوق کیفری بین‌المللی، علمی است که صلاحیت محاکم کشور در مقابل محاکم بیگانه و اجرای قوانین کشور، اعم از قوانین ماهوی و شکلی، را نسبت به مکان و اشخاص تابع این قوانین و همچنین اعتبار احکام کیفری بیگانه را در قلمرو کشور معین می‌کند. از این تعریف بر می‌آید که حقوق کیفری بین‌المللی، رشته‌ای از حقوق عمومی^۲ است که تنظیم روابط دولت را با افرادی به عهده دارد که باید میزان دخالت محاکم این دولت و اجرای قوانین و آثار احکام این دولت را در مقابل آنها معین کند. و سپاسین پلا^۳ پیشنهاد می‌کند که خود دولت‌ها را باید تابع تعهداتی^۴ متقابل کرد که قانون کیفری مشترک آن تعهدات را تعریف می‌کند و ضامن اجرای این قانون هم احضار این اشخاص مهم حقوقی در مقابل محکمه عالی کیفری بین‌المللی باشد و مجموعه این قواعد عالی و پردامنه است که "پلا" آن را شایسته وصف حقوق کیفری بین‌المللی می‌داند.

بیان مسأله

بی‌شک یکی از پیش شرط‌های مهم و مسلّم هر دادرسی، حق محاکمه شدن در یک دادگاه بی‌طرف و مستقل قضایی است که «یکی از اصول کلی حقوق را تشکیل داده و یک اصل اساسی حکومت قانون است» (فضائلی، ۱۳۸۷: ۱۷۹) در ادیان بزرگ عنوان گردیده است که انسان، صرف‌نظر از نژاد، کشور، رنگ، جنس، معتقدات، شرایط زندگی اجتماعی و ترکیب فیزیکی او، موجودی است قابل احترام که زندگی او دارای قدسیت بوده و وجودش هدف نهایی کلیه قوانین و مقررات به شمار می‌رود. لذا به هیچ وجه نباید وسیله بهره‌برداری و یا مورد سوء استفاده هم‌نوعان خود قرار گیرد. بر این اساس، سازمان‌های بین‌المللی، مأمور اجرای نظارت بر اجرای مقررات «والایی» شده‌اند که ضامن حیات، آزادی و حیثیت انسان و در راس همه آنها، نگه دارنده و محافظ حقوق اساسی و

۱ - دانشمندانی نظیر استانسیلا و پلاوسکی

۲ - استاد حقوق کیفری دانشکده حقوق پاریس و قاضی دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ

۳- Qualification

۴- Substantive law

۵- Public law

۶- Commitments

۶ - استاد دانشکده حقوق رومانی



بنیادین وی، می‌باشد. این حقوق در معنای وسیع خود شامل بهداشت، استقلال، شکوفایی شخصیت، اختیار اقامت و خطمشی زندگی، فرهنگ، شغل، حق حمایت اجتماعی و امنیت دایمی در کلیه زمینه‌ها و امثال آن، است.

از منظری دیگر توجه به این موضوع بایسته است که صادق بودن اصل رعایت حقوق انسانی، در همه شرایط و زمان‌ها، مصداق داشته و دارای اعتبار می‌باشد. «تمام افراد بشر، همان گونه که در ماده ۷ اعلامیه حقوق بشر مقرر گردیده، در برابر قانون مساوی هستند و بدون هرگونه تبعیضی دارای حق یکسان حمایت قانونی می‌باشند». (شیرخانی، ۱۳۸۳: ۹) تبعیض، نفی مطلق اصل برابری و توهین به شأن انسانی است.

منشور ملل متحد در ماده ۱/۵۵ و ۷۵ سه بار درباره «احترام به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی برای همه بدون تمایز به مواردی نظیر نژاد، جنس، زبان یا مذهب صحبت می‌نماید. ماده ۲ میثاق بین‌المللی در زمینه حقوق مدنی و سیاسی طرف‌های دولتی را ملزم به تضمین حقوق تمام افراد بدون هرگونه تمایزی نظیر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و دیگر عقاید، تبار ملی و یا اجتماعی، دارایی، اصل و نسب و دیگر موقعیت‌های اجتماعی، نموده است. البته در اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم‌چنین در میثاق بین‌المللی «تبعیض» تعریف نشده است. تعریف این واژه را تنها می‌توان در مقاله‌نامه‌ها و اعلامیه‌هایی که با نوع خاص و اشکال تبعیض سر و کار دارد پیدا نمود.

کمیسیون حقوق بشر طی سی و هفتمین اجلاس خود در سال ۱۹۸۹ و در نظریه عمومی تعریف زیر را در مورد تبعیض ارایه داشته است:

«هرگونه تمایز، محرومیت، محدودیت و یا رجحان که مبتنی بر زمینه‌های نظیر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و دیگر عقاید، تبار ملی و یا اجتماعی، دارایی، اصل و نسب و دیگر موقعیت‌ها باشد تمام و یا قسمتی از حقوق و آزادی‌های همه افراد را شامل شود تبعیض است». (لواسانی، ۱۳۸۴: ۶۱)

ممنوعیت تبعیض در حال حاضر نه تنها در منشور ملل متحد و لایحه بین‌المللی حقوق بشر آورده شده، بلکه در تعداد قابل توجهی از اسناد دیگر در ارتباط با تبعیض در زمینه‌های خاص و یا حمایت از افراد متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر مصوب سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار و یونسکو نیز مدنظر قرار گرفته است. معیارهای مربوط به عدم تبعیض هم‌چنین در سلسله اسناد پذیرفته شده توسط سازمان‌های منطقه‌ای یافت می‌شود.

اجرای مقررات قراردادی که الزاماتی را به کشورها تحمیل می‌نماید، تابع رویه‌های نظارت و ممیزی مبتنی بر گزارش‌های دوره‌ای کشورها و هم‌چنین ایجاد امکانات ارتباطات فردی است مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مقاله‌نامه بین‌المللی در زمینه حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی، مجامع عهدنامه‌ای که کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حذف تبعیض نژادی و کمیته حذف تبعیض علیه زنان هستند، نه تنها مجاز به بررسی گزارش کشورها می‌باشند؛ بلکه می‌توانند توصیه‌های عمومی را نیز تدوین نمایند (همان: ۷۳). از سال ۱۹۴۶ تمام ارگان‌های سازمان ملل متحد که با حقوق بشر سروکار دارند فعالانه درگیر مبارزه علیه تبعیض بوده‌اند.

مسائل مربوط به حذف تبعیض به طور دایم در مجمع عمومی، شورای اقتصاد و اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها حل و فصل می‌شود. کمیسیون فرعی مطالعاتی را انجام می‌دهد که هدف آن منع تبعیض است. این مطالعات از بین سایر موضوعات به حق تعلیم و تربیت، اعمال حقوق سیاسی، تبعیض بر پایه مذهب یا اعتقادات، حذف تبعیض نژادی و حقوق اقلیت‌ها و بومیان مربوط است.



باتوجه به مطالب ارایه شده در این پژوهش، به بررسی اصل تبعیض قضایی و نمودهای عدم رعایت آن در محاکم بین‌المللی خواهیم پرداخت و روشن خواهیم کرد که عوامل تاثیرگذار در تسهیل وقوع تبعیض چگونه بوده و ابزارهای قانونی و حقوقی که می‌توان در راستای جلوگیری از وقوع تبعیض بکار بست، کدام‌اند؟

حق عدم تبعیض قبل از محاکمه

بامطالعه و بررسی حقوق متهمین به نتایجی می‌رسیم که در صورت فقدان آنها در مورد یک متهم در هر مرحله از محاکمه در حق آن تبعیض صورت گرفته و اصل عدم تبعیض در مورد او رعایت نشده است. این حقوق عبارتند از:

حق جبران خسارت^۸ در خصوص دستگیری یا بازداشت غیرقانونی^۹؛ علیرغم اصل برائت و به منظور حفظ نظم اجتماعی و اعمال عدالت کیفری دستگاه قضایی در موارد عدیده به بازداشت بسیاری از متهمین - یعنی کسانی که هنوز بزه کاری آنان مسلم نیست - مبادرت می‌ورزد. هرگاه این قبیل متهمین در دادگاه به مدتی بیشتر یا معادل آنچه که در بازداشت موقت به سر برده‌اند محکوم گردند شاید بتوان پذیرفت که توقیف‌های مذکور موجهاً به عمل آمده و عمل دستگاه عدالت را به نحوی از انحاء توجیه نمود. لیکن مشکل وقتی ایجاد می‌گردد که شخص پس از گذراندن هفته‌ها، ماه‌ها و گاهی سال‌ها در زندان، سرانجام به جزای نقدی و یا به مدتی کمتر از آنچه در بازداشت بوده است محکوم و یا حتی به کلی تبرئه می‌گردد.

مع الوصف هنگامی که از نقطه نظر حفظ حقوق متهم این قبیل بازداشت‌ها را مطالعه می‌کنیم این سوال مطرح می‌گردد که جامعه در قبال متهمینی که پس از گذراندن مدتی در زندان، تبرئه می‌گردند چه تکلیفی دارد؟ آیا بایستی سال‌هایی که متهم در زندان به سر برده را امری عادی تلقی نمود و به گشودن در زندان به روی وی اکتفاء نمود، یا برعکس برای جبران خسارت از این قبیل بی‌گناهان به دنبال راه حلی منطقی و عادلانه گشت. علیرغم مطالب فوق مسئله جبران خسارت از بی‌گناهان در اکثر کشورهای جهان در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم به سکوت برگزار شده و در قوانین موضوعه اکثر کشورها مقرراتی در این زمینه وضع نگردیده است.

علت این امر آن است که به نظر مخالفین جبران خسارت متهمینی که تبرئه شده و یا قرار منع تعقیب آنان صادر گردیده از یک سو با برخی از قواعد حقوقی مغایرت دارد و از سوی دیگر مسئله مسئولیت دولت را مطرح می‌سازد (آشوری، ۱۳۷۶، ۳۱-۳۳). هر فردی که قربانی دستگیری یا بازداشت غیرقانونی شده است دارای حق لازم الاجرائی برای جبران خسارت شامل پرداخت غرامت می‌باشد. بند یک ماده ۵۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی^{۱۰} مقرر نموده است که: «هرزمان پس از شروع به تحقیق و پس از

^۸ Right to compensation

^۹ Illegal arrest

^{۱۰} Article 58; Issuance by the Pre-Trial Chamber of a warrant of arrest or a summons to Appear

1. At any time after the initiation of an investigation, the Pre-Trial Chamber shall, on the application of the Prosecutor, issue a warrant of arrest of a person if, having examined the application and the evidence or other information submitted by the Prosecutor, it is satisfied that:

a) There are reasonable grounds to believe that the person has committed a crime within the jurisdiction of the Court; and

b) The arrest of the person appears necessary:

i) To ensure the person's appearance at trial;

ii) To ensure that the person does not obstruct or endanger the investigation or the court proceedings; or



وصول درخواست دادستان، شعبه مقدماتی با بررسی در خواست وی و ادله یا سایر اطلاعاتی که توسط مقام مذکور ارائه شده دستور بازداشت شخص را صادر می‌کند».

حق محاکمه در زمان معقول و مناسب یا آزادی از بازداشت: هرمتهم به جرم کیفری که بازداشت می شود حق دارد در یک زمان مناسب محاکمه شود. و چنان چه در یک زمان معقول و مناسب به دادگاه آورده نشود حق دارد که تا زمان شروع محاکمه آزاد باشد چرا که فرد در بازداشت قبل از محاکمه دارای حقوقی می‌باشد از جمله اینکه پرونده او در اولویت قرار گیرد، همچنین به پرونده او با فوریت رسیدگی شود تا از اطاله دادرسی غیر موجه رنج نبرد و دلایل و شواهد از بین نرفته و یا کاهش نیابد. بند ۴ ماده ۶۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی^{۱۵} مقرر نموده که: «شعبه مقدماتی باید اطمینان حاصل نماید که شخص بازداشت شده به جهت تأخیر، ناموجه دادستان، مدت غیرمعقولی را قبل از محاکمه در بازداشت نباشد. اگر چنین تأخیری رخ دهد، دادگاه موظف است آزادی مطلق^{۱۶} یا مشروط^{۱۷} وی را مورد بررسی قرار دهد» (طه و اشرفی، ۱۳۸۶، ۸۴).

حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه: آنچه که در یک محاکمه عادلانه اساسی و ضروری به نظر می‌رسد این است که تمام متهمین به جرم کیفری به منظور تضمین هدف مند بودن حق دفاع باید حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای دفاع را داشته باشند و این حق جنبه مهم اصل اساسی «تساوی ابزار و امکانات» است. در این خصوص شق ب بند یک ماده ۶۷ اساس نامه دادگاه کیفری بین‌المللی^{۱۸} نیز مقرر نموده که «وقت کافی و امکانات لازم به او (متهم) داده شود تا دفاع خود را تدارک کند و آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می‌کند ارتباط داشته باشد» (همان، ۹۱-۹۴). بدین سان متهم برای تهیه دفاعیه و همچنین حق برخورداری از تسهیلات باید به موارد ذیل نیز دسترسی داشته باشد:

- حق دسترسی به اطلاعات^{۱۵}

- حق آگاه شدن از اتهامات^{۱۶}

- حق برخورداری از مترجم^{۱۷}

حقوق دوران بازجویی:^{۱۸} اهمیت بازجویی و آثار ناشی از آن ایجاب می‌کند که متهم در پاسخ به پرسش‌های مقامات قضایی و انتظامی با احتیاط، حزم و دور اندیشی عمل کرده و به واسطه اظهارات نسنجیده موجبات گرفتاری خود را فراهم نکند. آگاهی متهم از این نکته بسیار اساسی و موثر در سرنوشت قضایی اوست. اما اشخاص بویژه هنگامی که به عنوان متهم و آن هم بار اول نزد مقامات قضایی و انتظامی حاضر می‌شوند، آن چنان از حالت روحی و روانی غیر عادی و نگرانی مخصوص برخور دارند که قادر به

iii) Where applicable, to prevent the person from continuing with the commission of that crime or a related crime which is within the jurisdiction of the Court and which arises out of the same circumstances.

^{۱۵} Article 60; Initial proceedings before the Court. 4. The Pre-Trial Chamber shall ensure that a person is not detained for an unreasonable period prior to trial due to inexcusable delay by the Prosecutor. If such delay occurs, the Court shall consider releasing the person, with or without conditions.

^{۱۶} Absolute freedom

^{۱۷} Conditional release

^{۱۸} Article 67; Rights of the accused. 1. In the determination of any charge, the accused shall be entitled to a public hearing, having regard to the provisions of this Statute, to a fair hearing conducted impartially, and to the following minimum guarantees, in full equality: (a) To be informed promptly and in detail of the nature, cause and content of the charge, in a language which the accused fully understands and speaks; (b) To have adequate time and facilities for the preparation of the defence and to communicate freely with counsel of the accused's choosing in confidence;

^{۱۹} The right of access to information

^{۲۰} The right to understand the charges

^{۲۱} The right to an interpreter

^{۲۲} Rights during interrogation



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰-ISSN

درک جایگاه بازجویی و آثار و تبعات ناشی از آن نیستند و چنان چه هشدارهای لازم قبل از انجام تحقیق به ایشان داده نشود، به احتمال زیاد با اظهارات ناصواب موجب لطمه به آبرو و حیثیت، آزادی، مال و یا حتی جان خود می‌شوند. بدین جهت عدم رعایت تشریفات قانونی در اعلام مواظبت در اظهارات به متهم می‌تواند حق دفاعی مناسب متهم را مختل نماید (رجبی، ۱۳۸۶، ۱۰۶). متهمین یا مظنونین به جرایم کیفری، افرادی آسیب پذیر هستند که در معرض موارد نقض حقوق بشر از جمله شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه و غیر انسانی در طول مراحل بازجویی و رسیدگی‌های کیفری قرار می‌گیرند. مخصوصاً افرادی که در بازداشت گاه‌ها به منظور بازجویی توسط مأمورین اجرای قانون نگهداری می‌شوند، در معرض خطر هستند حقوق متعددی که هدف از آن تضمین امنیت متهمین در طول بازجویی است وجود دارد که به برخی از آن در ذیل اشاره می‌گردد:

حق سکوت^{۱۹}: حق سکوت متهم از زمره حقوق دفاعی او محسوب می‌شود و عبارتست از امتناع و خودداری متهم از پاسخ دادن به سوالات ضابطین دادگستری و مقام قضایی در مورد اتهام مطروحه علیه اوست. عدم اعلام حق سکوت به متهم توسط ضابطین دادگستری ممکن است متهمی را که آگاهی از موازین قانونی و حقوقی ندارد، ناچار به ذکر مطالبی به زیان خود کند. بی‌توجهی نسبت به رعایت چنین حقی نه تنها منجر به افزایش اختیارات ضابطین دادگستری در اخذ اقرار و اعتراف از متهم به شیوه‌های غیر معمول و قانونی می‌شود؛ بلکه حقوق متهم را به شدت در معرض تعرض و تضییع حق توسط ضابطین دادگستری قرار می‌دهد (رجبی، ۱۳۸۶، ۱۱۰).^{۲۰}

در خصوص رعایت حق سکوت که از حقوق دفاعی متهم است شق ب بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر نموده: «در مواردی که متهم در معرض بازجویی توسط دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد باید از حق سکوت آگاه شود، بدون اینکه چنین سکوتی در تعیین گناه کار بودن یا بی‌گناهی او مورد توجه قرار گیرد» همچنین شق ز بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه مذکور آیین مورد را مدنظر قرار داده است، حق سکوت در طول بازجویی از فرد بازداشت شده به اتهام جرائم کیفری، آسیب پذیر است از آنجایی که مأموران اجرای قانون حداکثر تلاش خود را می‌کنند که از فرد بازداشت شده اقرار یا اظهاراتی را دال بر مجرمیتش اخذ نماید و اعمال حق سکوت متهم این تلاش‌ها را منتفی می‌سازد. حق سکوت در بسیاری از نظام‌های حقوق داخلی مقرر شده، هرچند در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر این حق صریحاً بیان نشده است (طه و اشرفی، ۱۳۸۶، ۱۰۳-۱۰۱).

ممنوعیت اقرارهای اجباری: گفتنی است که هدف از بازجویی متهم، کشف حقیقت است و نه تحمل خواسته‌های خود بر متهم. لذا بازجو یا قاضی باید با طرح سوالات مفید و روشن حقیقت را کشف کند و از توسل به روشهای خلاف قاعده و قانون در این مورد پرهیز کند. در دیدگاه‌های مختلف، حتی اعمال مجازات‌های شدید، به معنای عدم منع شکنجه نبوده است و لذا تعجب‌آور نیست که

^{۱۹} The right to silence

^{۲۰} - واقعیت این است که اصولاً مواجه شدن متهم با شرایط بازجویی او را شدیداً در معرض تهدید قرار می‌دهد و حیثیت و شرافت و آزادی متهم شدیداً به مخاطره می‌افتد. مجرد ایراد اتهام سبب تزلزل روحی و احساس عدم امنیت می‌گردد و بازداشت و سلب آزادی برای کسب اطلاعات این تزلزل را در وجود متهم شدیدتر می‌کند. از این رو، این عقیده درست است که دادسرا و متهم از لحاظ موقعیت در مقابل دستگاه قضایی دارای اقتدار مساوی نیستند. دادسرا از حمایت قوای عمومی برخوردار است درحالی که متهم از چنین پشتوانه‌ای بهره‌مند نیست (خزانی، ۱۳۷۷، ۱۳۰).

^{۲۱} Article 55; Rights of persons during an investigation. 2. Where there are grounds to believe that a person has committed a crime within the jurisdiction of the Court and that person is about to be questioned either by the Prosecutor, or by national authorities pursuant to a request made under Part 9, that person shall also have the following rights of which he or she shall be informed prior to being questioned:

(a) To be informed, prior to being questioned, that there are grounds to believe that he or she has committed a crime within the jurisdiction of the Court;

(b) To remain silent, without such silence being a consideration in the determination of guilt or innocence;

^{۲۲} g) Not to be compelled to testify or to confess guilt and to remain silent, without such silence being a consideration in the determination of guilt or innocence;



حتی نزد پیشگامان کیفری شکنجه سخت تقبیح شده و کوشش‌های زیادی بعمل آمده تاوجه فارقی میان مجازات و شکنجه ایجاد کنند (نوربها، رضا، www.jhavanin.ir).

هیچ فرد متهم به جرم کیفری نباید مجبوره اقرار به جرم یا شهادت علیه خود شود و این حق ممنوعیت اقرارهای اجباری در هر دو مرحله قبل و بعد از محاکمه لازم‌الرعایه است. شق الف بندیک ماده ۵۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر نموده که: «متهم نباید اجبار به متهم ساختن خویش و یا اعتراف به ارتکاب جرم شوند». همچنین کمیته حقوق بشر اظهار نظر کرده است که «اجبار برای ارائه اطلاعات، اجبار به اقرار، اخذ اقرار با شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی همگی ممنوع است». بنابراین اغفال متهم در حین بازجویی و تحقیق ممنوع می‌باشد و اقراری که بدین صورت اخذ شود فاقد اعتبار است. شق ز بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که مقرر نموده: «متهم مجبوره ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود» موکد این امر است.

حقوق متهم در دوران محاکمه

اصل اساسی و پیش شرط دادرسی عادلانه این است که دادگاه صادرکننده حکم در مورد یک پرونده باید از طریق قانون ایجاد شده و صلاحیتدار، مستقل و بی‌طرف باشد. اولین تضمین بنیادین دادرسی عادلانه این است که تصمیمات نباید توسط سازمان‌های سیاسی اتخاذ شود، بلکه باید توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف صورت بگیرد. حق دادرسی افراد در دادگاه همراه با تضمیناتی که برای متهم در مراحل رسیدگی‌های کیفری وجود دارد، مهمترین پایه و اصل در مراحل قانونی است. در ذیل به موارد حق دفاع متهم در مرحله محاکمه اشاره می‌شود:

حق تساوی در برابر قانون و دادگاه

تضمین تساوی در مراحل دادرسی دارای چندین شکل می‌باشد، که قوانین تبعیض‌آمیز را ممنوع می‌کند و شامل حق دسترسی یکسان به دادگاهها، نیز برخورداری از رفتارهای مساوی توسط آنهاست چرا که تمام افراد حق دارند در برابر قانون مساوی باشند. حق تساوی در برابر قانون به این معناست که قوانین نباید تبعیض‌آمیز باشند، همچنین قضات و مقامات نباید در اجرای قانون به گونه ای تبعیض‌آمیز عمل کنند. حق برخورداری از حمایت مساوی در برابر قانون، تبعیض در قانون یا در اجرا را، در هر مرحله و زمینه‌ای که توسط مقامات سازمان‌دهی و حمایت شوند ممنوع می‌کنند. با این وجود این حق شامل تمام تمایزات رفتارهای تبعیض-آمیز نمی‌شود بلکه صرفاً شامل مواردی است که مبتنی بر معیارهای عینی و معقول نیستند (بروکس، ۱۷۲، ۱۹۸۴). تمام افراد حق دارند در برابر دادگاهها و محاکم برابر باشند بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر نموده که: «برای احراز هر اتهامی، متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه به صورت علنی، منصفانه و بی‌طرفانه و با رعایت تضمینات در مساوات کامل محاکمه شود». این اصل و قاعده کلی حقوقی به این معنا است که هر کس هم حق دسترسی مساوی به دادگاهها و هم حق برخورداری از رفتارهای مساوی توسط دادگاهها را دارد.

ضرورت رفتار مساوی توسط دادگاهها در پرونده‌های کیفری دارای دو جنبه مهم است. اولاً، یک اصل اساسی این است که دفاع و تعقیب باید به شیوه ای انجام شود که فرصت برابر طرفین برای تهیه و اقامه دعوا در طول روند دادرسی تضمین شود ثانیاً، هر متهمی حق داشته باشد که با او همانند سایر افراد دارای موقعیت مشابه بدون تبعیض رفتار شود (طه و اشرفی، ۱۲۶، ۱۳۸۶).



حق رسیدگی عادلانه

دادرسی عادلانه و برخورداری مطلوب افراد از این حق یکی از حقوق مسلم شهروندان می‌باشد که در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی و داخلی اکثر کشورها مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. حق رسیدگی عادلانه جزء لاینفک مفهوم دادرسی عادلانه است. حق رسیدگی منصفانه در محاکمات بین‌المللی با برخی از حقوق واقعی و مرتبط مانند حق فرض بی گناهی، حق محاکمه بدون تأخیر غیر موجه، حق تهیه دفاعیه، حق دفاع از طریق وکیل یا شخصاً، حق احضار و سوال از شهود و حق حمایت در برابر قوانین کیفری عطف بمسابق شونده تعیین و مشخص می‌شود. با این وجود مطابق با استانداردهای بین‌المللی حاکم بر محاکمات، حقوق - خصوصاً حقوقی که برشمرده شدند - حداقل تضمینات دادرسی عادلانه هستند. رعایت هر یک از این تضمینات رسیدگی منصفانه را در تمام موارد و شرایط تأمین نمی‌کند. حق دادرسی عادلانه وسیعتر از میزان تضمینات اختصاصی و فردی است و بستگی به برگزاری و اداره درست محاکمه دارد (همان، ۱۹۳-۱۹۷).

یکی دیگر از تضمینات دادرسی عادلانه اصل تساوی ابزار و امکانات بین دوطرف پرونده است. بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر نموده که: «برای احراز هر اتهامی، متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه به صورت علنی، منصفانه و بیطرفانه و با رعایت تضمینات در مساوات کامل محاکمه شود». در محاکمات کیفری که تعقیب از حمایت تمام تشکیلات دولتی برخوردار است، اصل تساوی ابزار و امکانات اساسی برای حق دفاع شخصی متهم است.

حق رسیدگی علنی

حق رسیدگی علنی به این معناست که نه تنها طرفین یک پرونده بلکه عامه مردم نیز حق حضور را دارند. عموم مردم حق دارند بدانند عدالت چگونه اجرا می‌شود و چگونه آراء در نظام قضایی محقق می‌شود. رسیدگی علنی به عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن و استقلال روند قضایی است و ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی در نظام قضایی است. رسیدگی علنی مستلزم برگزاری جلسات به صورت شفاهی در مورد ماهیت پرونده می‌باشد که به صورت علنی بوده و عموم مردم منجمله رسانه‌ها و جراید بتوانند شرکت کنند. دادگاه باید اطلاعاتی در مورد زمان و مکان جلسات در دسترس عموم مردم قرار داده و برای حضور افراد علاقمند با اعمال محدودیت‌های معقول تسهیلات کافی را فراهم کند (مورس، ۲۱۵، ۱۹۸۶). بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی ناظر بر همین مورد است. دسترسی عموم به جلسات رسیدگی به جزء استثنائات محدود، احکام در تمام رسیدگی‌های کیفری و حقوقی باید بصورت علنی صادر شود.

بحث و نتیجه گیری

یکی از مباحثی که با گسترش جوامع بشری و پیچیده‌تر شدن روابط انسان‌ها با دولت‌ها، اهمیت ویژه‌ای یافته است، احترام به حقوق و آزادی‌های افراد انسانی است. این دسته از حقوق با طرح حقوق و با طرح حقوق طبیعی در اعصار قدیم و اعلامیه‌های گوناگون مربوط به حقوق بشر، تحول خود را تا به امروز طی کرده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی با طرح حقوق فردی افراد به این حقوق اشاره کرده‌اند. یکی از این حقوق، حق مساوات و برابری است که تمامی افراد را از حقوق و تکالیفی یکسان برخوردار می‌کند. برابری و مساوات از کهن‌ترین اندیشه‌ها و خواسته‌های بشری است. حق برابری و مساوات به معنای تساوی در مقابل قانون، تساوی حمایت در اجرای قانون و تساوی فرصت‌ها است.



به همین لحاظ زمینه اصلی و اساسی حقوق و آزادی‌های فردی را باید در برابری انسان‌ها یافت. که نظریه مساوات بشر، از عهد ارسطو به بعد وارد قاموس سیاست شد. اصل مساوات و برابری در اندیشه‌های اسلامی از جمله اصول زیربنایی و نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است. قرآن مجید در آیات متعددی به این اصل اشاره کرده است؛ از جمله خداوند در آیه یک سوره نساء می‌فرماید: یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منها رجلاً کثیراً و نساءً .

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اصل برابری معمولاً تحت عنوان «عدم تبعیض» به کار رفته است. در دیباچه اعلامیه جهانی حقوق بشر، حیثیت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر بودن آن، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. ضمن آن که در ماده یک این اعلامیه آمده است: همه افراد بشر از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.

ماده (۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق برخورداری از تمامی حقوق و آزادی‌های مقرر شده در اعلامیه، بدون هیچ تمایز و تبعیضی از هر حیث اشاره کرده است. در ماده (۱۴) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که برخورداری از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این کنوانسیون را بدون هیچ‌گونه تبعیضی تضمین کنند. بند یک ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر حقوق یکسان و غیرقابل انتقال تمامی اعضای خانواده بشری تأکید کرده است و آن‌ها را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان معرفی می‌کند و در دیباچه هر دو میثاق، کشورهای عضو متعهد شده‌اند که حقوق شناخته شده در این میثاق‌ها را درباره همه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت خود بدون هیچ‌گونه تمایزی، تضمین کنند. در ماده یک اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره، مصوب ۱۹۹۰) نیز بر حق برخورداری تمامی انبای بشری از حق مساوات و برابری تأکید شده است. در این نوشتار در پی آن هستیم که به تحلیل و بررسی تطبیقی حق مساوات و برابری افراد در مقابل قانون، دادگاه و مشاغل دولتی بپردازیم.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

- آخوندی، محمود؛ ۱۳۶۸، آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، جلد اول
- آخوندی، محمود؛ ۱۳۷۹، آیین دادرسی کیفری؛ جلد ۴، انتشارات اشراق، چاپ اول، شهرپور
- آشوری، محمد؛ ۱۳۷۸، آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چاپ چهارم،
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم
- آشوری، محمد و دیگران، ۱۳۸۳؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت؛ نشر گرایش،
- آشوری، محمد، ۱۳۸۴، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت
- آماده، غلام حسین، ۱۳۸۸، نقش رئیس قوه قضائیه در فرآیند کیفری ایران، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر،
- اردبیلی، محمدعلی، «شکنجه»، مجل هی تحقیقات حقوقی، تهران، دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ی نهم، ۱۳
- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۶، حقوق بین الملل کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ سوم، بهار
- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، بولک، برنار، ۱۳۷۷، آئین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۷۷۸۶-۲۹۸۰-ISSN

- اشرافی، لیلا؛ طه، فریده، ۱۳۸۶، دادرسی عادلانه، چ. اول، بنیاد حقوقی میزان، تهران، پاییز
- بارکر، دیوید و کولین پدفیلد، ۱۳۸۷، حقوق به زبان ساده. تهران: نشر میزان